

تا خلکوت نعت آسمان و زمین و عجایب از عرش تا بیتی الهی بیخ من بر
 خاستم و دو رکعت نماز کردم و بیرون شدم نگاه کردم میکائیل علیه السلام
 را دیدم اینتاده از یک سوی با هفتاد هزار فرشته و کسرافیل علیه السلام
 یکسوی ایستاده با هفتاد هزار فرشته و برای در میان بدانشه و جواد مثل
 و جهور و سر روی چون سمراسب و کردن او جو کردن آتش و با بهار او چون پای
 کا و و دنبال وی چون دنبال بیل و پشت او چون پشت آفتاب و سینه او
 چون سینه خیز و زمین بر پشت او از یکدانه و هزارید سپید و رگانش از یاقوت
 صمغ و لکمش از زبرجد سبز که هرگز من حرکت نکرده ام نیگو تر از
 میکائیل لکمش که فرزند کسرافیل را که گرفته جبرئیل گفت مرا که سوار شوی
 من قصد رسیدن او کردم که این جبرئیل گفت برای سب که آن هنر آورده
 هو استم که سوار شوم براق نیست بر او زود بدان مانند که با سمان رسید
 و زکد است که بود نشنیدم جبرئیل گفت خدای که این سوار گشت سید اولین
 و آخرین هستی محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم براق چون این سخن شنیدند خود
 داشت بدان مانند که شمس بر زمین رسیده و عرفی از وی در کردید نگاه براق با
 جبرئیل در سخن آمد گفت شمع من بش که در اجابت است تا حاجت من روا کند نگاه

نشیدم جبرئیل گفت حاجت تو چیست گفت آنست که بعد قیامت حرکت من بشم جبرئیل گفت
 شفقت کن من اجابت کردم بر من بر شو ششم نگاه جبرئیل مرا گفت درین راه عجایب بسیار
 ببینی و معجزه بان و از آن بگویم که آن چیست و منادیان ترا بخوانند از زمین و آسمان اجابت
 میکند نگاه براق بدین احد جز که جسم بدید او یک کام سنبادی چون بیلا از سیکل با هم سخن دراز
 صدیه و دستهای گوناگون سینه چون زبان رفتم او از خدای شنیدم از راست که مرا اولاد داد و گفت
 بایست تا سخن با تو گویم من او را اجابت کردم فراتر شدم صورتی پیش من آمد بروی آن بر می دوام
 خواند من اجابت نکردم جبرئیل گفت ما همه نیارت مرا ترا که امت تو از جهود و سالی و کبریا بر بند
 و از عذاب دنیا بیرون شد زانان خدای که از دست راست او داد خدای او جهودان تو اگر تو
 او را اجابت میکردی امت از جهودان بودند و ان خدای که ترا از دست چپ او داد خدای ترا
 بود که او را اجابت میکردی امت از آن سالیان بودید و ان خدای پسین خدای که بران بود که تو
 اجابت میکردی امت تو کبری بودند و ان خدای چهارم خدای معاصی بود اگر تو او را اجابت
 میکردی امت تو صافی شدند و ان صورت که ترا پیش آمد صورت دنیا بود که تو او را اجابت
 میکردی امت تو از پسین تو هلاک شدند چون تو اجابت نکردی از تو نواز عذاب برست از این فرزند
 ششم سوره را دیدم که جوان و یک کمال و یک کمال و یک کمال مرا گفت این در همه که را اعتبار کن من مرا اختیار

امی نشد